

محله‌ای که با سیب‌هایش نامدار شد

در محله خوش آب و هوای پایتخت در دامنه کوه‌های شمالی شهر، حوالی یک دره زیبا محله‌ای که حدود صد سال پیش فقط باغ و کشتزار بود، محصولی منحصر به فرد و خوش آب و رنگ داشت.

به گزارش سایت خبری پرسون، محله گلابدره از بیلاقات شمیران و شمال شرقی شهر محسوب می‌شود که بیشتر به دلیل طبیعت زیبا و مسیر کوهستانی برای گردشگران جزء مسیرهای کوهنوردی و رسیدن به ارتفاعات شیرپلا است. در قدیم فاصله بین دو تپه که امروزه تپه شرقی منطقه مسکونی گلابدره و تپه غربی محله باغ شاطر شکل گرفته است، سرتاسر باغ و زمین‌های کشاورزی بود و ساکنین اولیه این محله را دو طایفه سید جعفر و سید مرتضی تشکیل می‌دادند.

نصرت‌الله حدادی، تهران‌پژوه، در باره نام محله گلابدره این‌گونه توضیح می‌دهد: «در تهران قدیم چند نوع سیب داشتیم. یکی سیب شمرونی بود که برای شب یلدا نکه می‌داشتند و خوش‌رنگ و خوش‌مزه بود. یک سیب دیگر به نام سیب قندک بود که به معنای واقعی مثل قند شیرین بود. یک سیب دیگر به نام ارنگه بود که بچه‌ها برایش شعر ساخته بودند: سیب دارم ارنگه / پای خرت میلنگه... یکی هم سیب گلاب بود که عطر خاصی داشت و این سیب از همین گلابدره می‌آمد که به خاطر وجود درختان زیاد سیب گلاب به این نام شهرت داشت.»

بیشتر ساخت و سازها در محله گلابدره بعد از انقلاب اسلامی و با مهاجرت عده‌ای از هموطنان ترک زبان صورت گرفت. تا قبل از آن فقط خانه باغ‌های بیلاقی بزرگان و درباریان و منازل کشاورزان و باغداران در آن سکونت داشتند. وجود رودخانه پرآب گلابدره و دو رشته قنات مهم «سنگ دوقلو» و قنات «آبک» باعث شد این منطقه به مرور از کشاورزی به مسکونی تغییر وضعیت دهد.

حدادی در باره نامداران این محله می‌گوید: «در گلابدره منزل بیلاقی مازور عبدالله خان احمدیه بود که تا سال ۱۳۱۴ سرگرد ارتش پهلوی اول بود، از این سال به بعد احمدیه از ارتش خارج می‌شود و اول خیابان پامنار، تقاطع امیر کبیر و چهارراه چراغ برق یا چراغ گاز، نزدیک منزل پروین اعتصامی، در منزل شخصی خودش مطب تاسیس می‌کند و ۴۴ سال تا زمان مرگش در آنجا طبابت می‌کند. اما منزل بیلاقی او در گلابدره به خانه باغ حاج حسین ملک نزدیک بود. دختر دکتر احمدیه، منیژه خانم در باره حاج حسین ملک خاطرات زیادی تعریف می‌کرد و می‌گفت روابط نزدیک خانوادگی داشتند. او به خاطر داشت همیشه ماشین نظامی که دنبال پدرش می‌آمد با فاصله صد متر از منزل منتظر می‌ماند و دلیل آن را پدرش این‌گونه شرح داده بود که چون مردم منطقه وضع مالی خوبی ندارند متوجه نشوند که دکتر با راننده رفت و آمد می‌کند در واقع نگران بود مردم از او فاصله بگیرند.»

حدادی می‌افزاید: «ابوالفتح اعتصامی برادر پروین اعتصامی شاعره نامدار ایرانی ادعا می‌کند شبی که پروین اعتصامی حالش بد بود فرستادند دنبال دکتر احمدیه و او از آمدن به منزل آنها خودداری کرد و پروین از دنیا رفت، ولی نکته قابل توجه اینکه در ملاقات با منیژه دختر دکتر احمدیه این مطلب کلاً تکذیب شد و گفتن چنین چیزی صحت نداشته. از مرام دکتر احمدیه نقل می‌کنند برای ویزیت بیماران که آن زمان به آن حق‌العلاج می‌گفتند به صورت مستقیم پولی دریافت نمی‌کرد و هر کس به نسبت توان مالی خودش حق‌العلاج می‌داد. روبه روی منزلی که طبابت می‌کرد داروخانه که به آن دواخانه می‌گفتند نسخه‌های نشاندار دکتر احمدیه معنای داروی مجانی به بیمار را داشت که هزینه آن را دکتر پرداخت می‌کرد. از دیگر افراد سرشناسی که در محله گلابدره ساکن بودند استاد محمود گلابدره‌ای که هم اکنون خیابانی به نام او در این محله به چشم می‌خورد. او نویسنده، استاد یک آدم خاص و شاگرد جلال آل‌احمد بود قلم ساده و روانی داشت ولی آدم عصبی‌ای بود. یک روز به استاد میرشکاک گفته بود: چیه میرین آثار گابریل گارسیا مارکز می‌خونین به جای اون کتاب گزنه جعفر شهری بخونین.»

برخی از آثار سید محمود قادری گلابدره‌ای نویسنده معاصر که در سال ۱۳۹۱ از دنیا رفت، به نام «آقا جلال»، «دال»، «مادر»، «خاطرات سفر به قونیّه»، «بادیه»، «پر کاه» و ... است. از رمان «دال» او داریوش مهرجویی فیلمنامه‌ای به نام صحرای سرد نوشت.

در محله گلابدره بزرگان دیگری هم سکونت داشتند مثل حاج حسین ملک که در حال حاضر بخشی از باغ او به بوستان گلابدره متصل شده و مسیر عبور کوهنوردان به ارتفاعات گلابدره است.

